



کناره

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، فسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال چهارم، شماره سوم و چهارم، پاییز - زمستان ۱۳۹۸ [انتشار: پاییز ۱۴۰۰]

| ویژه تاریخ زبان و فرهنگ ایران در آذربایجان، قفقاز و آناتولی |

- رسانی: آذربایجان و تاریخ زبان و فرهنگ ایرانی • ظریغ: تئییج پژوهش‌های آذربایجان و آناتولی / علی شاپوری • ریشه‌شناسی: دنام جغرافیایی مروط به آذربایجان، اعلیٰ صافیوی
- نمایندگان و دیگر کسانه مخصوص گوشی‌لغوی / سید احمد رضا قائمقلی • آسماء و ایوانی: عوادگانی دور از هم با مراث مشترک پادشاهی / بیهوده غولزار، محدث‌نی فرموزی
- اشعار قطب‌اللین معنی‌العروی (بیرزی) بهودز بهانی • درودات تاریخی، برگ سلطان سلوچی، آیا سلطان در صفر ۷/۷/۷ قدر گذشتند است؟ / محسن شرفی صنی • جلسه‌شناسی: دنامی، دنامی
- کهن در حسر مبارک در مسخ و تبلیغ ایلان / امهدی یا لحنی • ساقی تبریز، غلال داشت اهل‌دعا شاهدند در تبریز در قفاری / اسکاد آینه • پند اسلامیون در نصیحت‌الملوک‌ها در آناتولی اولین
- قون هشم هجری / ایس اس پیکاک از زیسته شکوفه میانی • سده نامه به فارسی سره از شاهه هشم در آناتولی در مدت شنوثت «آنام سلطان» / امیر بهم مشتمس • سلطان ولد و طرفت شاعرانه: پیغمبری خصوصیات و کارکرد شعر در سنت مولویه پس از مولوی / اولین‌گلوبوس، ترجمه: مولوی پیکلی خسنه • بخشی در روزه‌گویی‌گله برگزینی / شاپوران • سفینه‌نویسی و محدوده رویس؛ برسی نویسنده کهن فارسی در حوزه آناتولی / اینه علی میر القطفی • اشعار فارسی گیلان سده هشم آناتولی در پیشگیر آتشنور (نسخه ۱۴۵۰)
- کتابخانه‌ایلدا / احمد پیشی • نامه درودش کارزنی به سلطان‌الموسی‌بدگران و پیشنهاد اتحاد با سلطان‌محمد فاتح (کاروانی بر نقش سیلسی صوره در تحولات سده نهم هجری) / عداد‌التن شیخ‌الحکماء • سلسلت تاریخ‌گاری فارسی در دیوار سلیمان یکم شله قلم و تکریج‌الجهار / فوقاد اینس • در آمادی بر شرح‌های دیوان عرفی شیرازی در آسیای صخره / فریبا شکوهی • معرفی کتاب «اسلام اثبات و جامعه در آناتولی عصر ایلخانی» نوشته‌الدرو سی. اس. پیکاک / دایله درود‌گلگنی (ایران‌گرانی با همکاری عباسی‌الکنی) • کامی به کارکه‌های پاشنه‌ی در اوخر سده‌های میانه در جهان اسلام همان‌ایرانی و شکل دادن بالاکوی حکمرانی عدلی / الدور پیکاک، زیمه علی شاپوران • نقایی بر آناتولی
- تصویر دیوان اشعار فارسی پاژور سلطان سلیمان / اینها احمدی • شعر و شخصیت هعلم و غزلی از او در دیوان سعیدی (پیوسنگی فرعونی شیرز و شیراز) / محمود عابدی



فهرست

سرخن

آذربایجان و تاریخ زبان و فرهنگ ایرانی / اکبر ایرانی ۵-۳

پیکتار

فارسی: نخ تسبیح پژوهش‌های آذربایجان و آناتولی / علی شاپوران ۱۳-۶

رشد

ریشه‌شناسی ده نام حرف‌ای ایرانی مربوط به آذربایجان / علی اشرف صادقی ۲۲-۱۴
نام آذربایجان و یک نکتهٔ مختصر گویشی لغوی / سید احمد رضا قائم‌مقامی ۲۹-۲۳
آسی‌ها و ایرانیان: عموزادگانی دور از هم با میراث مشترک باستانی / ریچارد فولتز؛ ترجمه: محمد تقی فرامرزی ۴۰-۳۰

آذربایجان و فتح‌هز

اعشار قطب‌اللّٰهین عتیقی اهربی (تبریزی) / بهروز ایمانی ۵۷-۴۱
درباره تاریخ مرگ سلمان ساوجی: آیا سلمان در صفر ۷۷۸ قمری در گلگشته است؟ / محسن شریفی صحنی ۶۰-۵۸
جلیس المشتاق: رمانسی کهن در بحر متقارب، در مسخ و تبدیل ابدان / مهدی بیلانی ۷۶-۶۱
ساقی تبریزی، نقال داستان‌های شاهنامه در تبریز دورهٔ قاجاری / سجاد آینلنلو ۸۲-۷۷

آناتولی

پند سلاطین روم: نصیحة‌الملوک‌ها در آناتولی اوایل قرن هفتم هجری / ای. سی. اس. پیکاک؛ ترجمه: شکوفه بیبدی ۱۰۹-۸۳
سه نامه به فارسی سره از سدهٔ هفتم در آناتولی در دست نوشته «نامه سلاطین» / مزمیر مشمشی ۱۱۷-۱۱۰
سلطان ولد و طریقت شاعرانه؛ پیکرندی خصوصیات و کارکرد شعر در سنت مولویه پس از مولانا رومی / فرانکلین لویس؛ ترجمه: متوجه بیکلی خمسه ۱۳۴-۱۱۸
بحثی دربارهٔ فرهنگ المراقابه‌منای نسخه‌ای کهن / علی شاپوران ۱۴۷-۱۳۵
سفینهٔ توحی و مجموعهٔ روحی؛ بررسی دو سفینهٔ کهن فارسی در حوزهٔ آناتولی / سید علی مرافضی ۱۶۰-۱۴۸
اشعار فارسی گویان سدهٔ هشتم آناتولی در چنگ آتش شهر (نسخهٔ ۱۰۴۲ کتابخانهٔ لین) / احمد بهنامی ۱۶۹-۱۶۱
نامهٔ درویش کازرونی به سلطان ابوسعید گورکان و پیشنهاد اتحاد با سلطان محمد فاتح (گواهی بر نقش سیاسی صوفیه در تحولات سدهٔ نهم هجری) / عمامه‌الدین شیخ الحکمای ۱۸۰-۱۷۰
سیاست تاریخ‌نگاری فارسی در دریار سلیمان یکم؛ شاه قاسم و کنز الجواهر / فرقان ایشان ۱۹۰-۱۸۱
درآمدی بر شرح‌های دیوان عرفی شیرازی در آسیای صغیر / فریبا شکوهی ۲۰۰-۱۹۱

نهودربر

معرفی کتاب «اسلام، ادبیات و جامعه در آناتولی عصر ایلخانی» نوشتهٔ اندره سی. اس. پیکاک / داوید دوران-گلدی (فارسی‌گردانی با همکاری عباس سلیمانی آنگلی) ۲۰۴-۲۰۱
نگاهی به کتاب «بزنگاه پادشاهی در اوایل سده‌های میانه در جهان اسلام: مهاجران ایرانی و شکل دادن به الگوی حکمرانی عثمانی» / اندره پیکاک؛ ترجمه: علی شاپوران ۲۰۶-۲۰۵
تقدیم بر آخرین تصحیح دیوان اشعار فارسی یاوز سلطان سلیم / آینا احمدی ۲۱۸-۲۰۷

خترانی

شعر و شخصیت همام و غزلی از او در دیوان سعدی (پیوستگی فرهنگی تبریزو شیراز) / محمود عابدی ۲۲۶-۲۱۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مترجم: علی شاپوران
مترجم: ایزدیار ایزدیار

مترجم: مسعود راستی پور

مترجم: ایزدیار ایزدیار

حاکمیت جهانی عثمانی زنده بود، بررسی می‌کنیم. پس از فتح بغداد در ۹۴۱، شاه قاسم تبریزی به ملتزمین رکاب سلطان سلیمان پیوست و سلطان از او نوشتند تاریخی برای سلطنت خود را خواست (AŞIK ÇELEBI, 2018: 594). ماهیّت، زمان و مکان این ماموریت مهم است، زیرا این تاریخ -که قرار بود به زبان فارسی نوشته شود- پس از یک دوره نسبتاً بی‌وقفه جنگ، از چالدران ۹۲۰ تا لشکرکشی عراقین^۲ در ۹۴۰-۹۴۱، سفارش داده شد. علاوه بر این، کنز الجواهر السیّیه فی فتوحات السّلیمانیّه (اینجا از این پس کنز الجواهر) تنها تاریخ فارسی در سی سال نخست سلطنت سلیمان، تا تأسیس مقام «شاہنامه‌گوی» در ۹۵۷، بود. چرا دربار عثمانی تاریخنگاری فارسی را با جلوس سلیمان کنار گذاشت؟ بر این اساس، چه زمانی و چگونه ترکی عثمانی به عنوان زبان اصلی کتابت مورخان عثمانی جانشین فارسی شد؟ آیا جهت‌گیری‌های سیاسی باعث گزینش زبان تاریخنگاری شده است؟ به نظر می‌رسد که گزینش زبان در نیمه نخست قرن دهم اهمیّتی حیاتی داشته است. از این منظر، هدف سفارش تاریخی به زبان فارسی به شاه قاسم نیز مشروعیت بخشیدن به حکومت سلیمان نزد نخبگان فارسی‌زبان عراق بوده است.

شاه قاسم تبریزی است. پدرش، مخدومی تبریزی، شیخی صوفی و عالمی فاضل بود که فضیلش در تفسیر و حدیث حتی در قلمرو عثمانی مشهور بود. یکی از شاگردان او حالمی چلبی بود، مردی که در پذیرش شاه قاسم در دربار عثمانی نقش مهمی داشت. ممکن است وقتی حالمی تحت آموخت مخدومی در تبریز بود، با شاه قاسم، پسر استادش، آشنا شده باشد. پس از آن، حالمی به زادگاه خود، قسطمونی، بازگشت و به احتمال زیاد با سلیمان یکم (حک ۹۱۸-۹۲۶) -که در آن زمان فرماندار طرابزون بود- دیدار کرد. سلیمان تحت تأثیر عارف قرار گرفت و او را به عنوان مریّ و مؤدب خود منصوب کرد (Mecdi, 1989: 386-385). موقعیت خوب حالمی در دربار سلیمان و آشنایی شخصی او با شاه قاسم، هر دو باید از عوامل اساسی در انتقال این وقایع نگار به استانبول پس از

۲. هدف نهایی عثمانی فتح عراق عرب و عراق عجم بود، بنابراین این لشکرکشی را لشکرکشی «عراقین» نامیدند.

سیاست تاریخنگاری فارسی در دربار سلیمان یکم: شاه قاسم و کنز الجواهر

فرقان ایشین*

دانشجوی دکتری دانشگاه مک‌گیل
furkan.isin@mail.mcgill.ca

تاریخنگاری به زبان فارسی تا پایان قرن نوزدهم بخشی ضروری از فرهنگ ادبی در شبه‌جزیره آناطولی بوده است. معمولاً مهاجرانی از ایران مسئولیت تدوین تاریخ را در دربارهای سلجوقی و عثمانی بر عهده داشته‌اند. ایشان با موفقیّت این کار را بر عهده گرفتند و بهترین کیفیّت تاریخنگاری فارسی را به آناطولی منتقل کردند. اما در سی سال اول حکومت سلیمان یکم (حک ۹۷۴-۹۲۶)، به جز کنز الجواهر السیّیه فی فتوحات السّلیمانیّه، نوشته شاه قاسم تبریزی (د. ۹۴۶)، تاریخنگاری در زبان فارسی متوقف شد. در لشکرکشی عراقین (۹۴۱-۹۴۰)، سلطان عثمانی شاه قاسم را به تألف تاریخ سلطنتی خود گماشت، اما شاه قاسم قبل از تکمیل کتابش درگذشت. در این مقاله نقش تاریخنگاری را به عنوان ابزاری برای مشروعیت‌بخشی بررسی می‌کنیم و در پی اثبات این ادعای خواهیم بود که مخاطبان هدف شاه قاسم نخبگان فارسی‌زبان عراق و تبریز بوده‌اند که به تازگی به رعایای عثمانی تبدیل شده بوده‌اند. اگرچه اهل فضل و اندیشه عثمانی در آن زمان بیشتر برای استفاده خود کتاب تاریخ تهیه می‌کردند، این وقایع نگاری در تبلیغ موفقیّت‌های عثمانی در نزد خوانندگان جدید کاملاً کارایی داشت. به علاوه، در این مقاله نحوه ستایش و ثنای پادشاه از سوی مورخ را، در دوره‌ای که ادعاهای

۱. تاریخ‌ها در متن این مقاله همه به هجری قمری است، مگر این‌که بر غیر آن تصریح شود.

ارتفا دهد» (Ibid: 594). او اگرچه از آثار شاه قاسم شعر ترکی هم نقل می‌کند، می‌گوید شاه قاسم «خود را به ترکی تنزل نداد و شعر نمی‌سراید» (Ibid: 595). دلیل این اشاره این است که شاه قاسم در زمانی زندگی می‌کرد و اثر خود را می‌نوشت که دربار و ادبی عثمانی تدریجًا ترکی را جایگزین فارسی می‌کردند. زمانی که عاشق چلبی تذکره خود را به پایان رساند، زبان نگارشی عثمانی‌ها به طور کامل‌تری به ترکی تبدیل شده‌بود (GREEN, 2019: 27).

شاعران، دیوان‌سالاران و دانشمندان اگر می‌خواستند در زندگی فرهنگی مشارکت داشته باشند و از حمایت، مقام و حقوق بازنیستگی برخوردار شوند، مجبور بودند آثار خود را به زبان ترکی تحریر کنند (KIM, 2005: 12-13).

در قرن دهم، تبلور ترکی عثمانی در جایگاه زبان ادبی و دیوانی عثمانی سرعت گرفت. به عنوان یک مهاجر و نویسنده فارسی در ممالک عثمانی، شاه قاسم در این انتقال گرفتار شد؛ بنابراین، دانشمندان عثمانی بعدی، مانند عاشق چلبی، ویژگی‌های ادبی و تاریخی کنز الجواهر را نادیده گرفتند، زیرا این کتاب به فارسی نوشته شده‌بود.

پژوهش‌های معاصر چهره شاه قاسم و کنز الجواهر را از غبار فراموشی سترده‌است. در ۱۳۹۹ش، عایشه‌گل فیدان این کتاب را از فارسی به ترکی امروز برگرداند (FIDAN, 2020). در ۱۳۹۸ش، کریستوفر مارک‌کیه‌ویز استدلال کرد که این تاریخ کاملاً فراموش شده‌است، به این علت که به زبان فارسی نوشته شده‌است. او اظهار داشت که شاه قاسم وارث اصلی میراث ادريس بدليسي (د. ۹۲۶) در دربار عثمانی بوده‌است، زیرا هر دو در تبریز بزرگ شده و دارای تمایلات صوفیانه بوده‌اند. از همه مهم‌تر، ایشان نماینده و انتقال‌دهنده مفهوم حاکمیت تیموریان به ممالک عثمانی بوده‌اند (نک. 2019). فلیکس تأثیر با مقایسه دو نسخه موجود از کنز الجواهر اظهار داشته‌است که حامی شاه قاسم وزیر اعظم، ابراهیم پاشا (د. ۹۴۳) است، زیرا او لین نسخه از کتاب حاوی نام اوست اما نسخه دیگر این نام را در بر ندارد (TAUER, 1924).

اگرچه این مطالعات ارزشمندند، هیچ یک از آن‌ها جایگاه شاه قاسم و کنز الجواهر را در زمینه وسیع نیمة اول قرن دهم بررسی

پیروزی عثمانی در چالدران بوده‌بشد.

درباره زندگی شاه قاسم پیش از مهاجرتش به استانبول اطلاعات کافی در دست نیست. او به گلشنیه تعلق داشت و محیی گلشنی خاطرنشان کرده که شاه قاسم شاعری توانا بوده که به روانی طبع و سرعت در شاعری مشهور بوده‌است. علاوه بر این، گفته‌است که شاه قاسم از ابراهیم گلشنی، بنیان‌گذار گلشنیه، در دیاربکر دیدار کرده و مدتی در آنجا مانده‌است (MUHYI, 2014: 255-258).

تاریخ دقیق این اقامت را نمی‌توان تعیین کرد، ولی به نظر می‌رسد که شاه قاسم بعد از فتح تبریز توسط شاه اسماعیل صفوی در ۹۰۸، این شهر را ترک کرده، اما پس از این که صفویان دیاربکر را هم در ۹۱۳ فتح کردند، احتمالاً به تبریز بازگشته‌است. وقتی سپاه عثمانی وارد تبریز شد، سلطان سلیم شاه قاسم را به استانبول برد.

عاشق چلبی دقیق‌ترین اطلاعات را درباره زندگی شاه قاسم در استانبول به دست می‌دهد. بنا بر گزارش او، شاه قاسم با تبعیر در حدیث و تفسیر، سلیم را چنان تحت تأثیر قرار داد که اشک سلطان جاری شد. همچنین، عاشق چلبی می‌گوید که شاگرد شاه قاسم بوده‌است و معلم او در مدارس ادبیات می‌آموزد و در مساجد استانبول خطبه می‌گوید. بهره‌مندی شاه قاسم از مساعدت‌های دربار عثمانی پس از مرگ سلیم نیز ادامه یافت. سلیمان، مانند پدرش، توانایی‌های فکری شاه قاسم را چنان محترم می‌داشت که به او دستور داد زندگی نامه‌اش را بنویسد. وقایع‌نویس چند نمونه از کارش را به دربار نشان داد، که همین باعث شد وظیفه روزانه‌اش به ۷۰ آقچه افزایش یابد. با این حال، اگرچه تا زمان لشکرکشی عراقین شاه قاسم بخش‌های دیگری را بر کتابش افروزد، به او دستور داده‌نشد که جزوایات منتخب خود را در یک کتاب جمع کند. هنگام این لشکرکشی بود که به او رسماً دستور داده‌شد که تاریخ را بنویسد (AŞIK ÇELEBI, 2018: 593).

عاشق چلبی ارزش‌های تاریخی و ادبی کنز الجواهر و درجات علمی معلم خود را نادیده می‌گیرد و ادعا می‌کند این‌که سلطان سلیمان شاه قاسم را به نوشتن یک کتاب تاریخ مأمور کرد «بهانه‌ای بود تا او را به صفت بندگان بزرگ

غربی و وارت امپراتوران روم به تصویر بکشد (NECİPOĞLU, 1992: 168). به نظر می‌رسد «عثمانی‌سازی» در حوزه‌های سیاسی-فرهنگی بر تاریخ‌نگاری نیز تأثیرگذار بوده است. عثمانی‌ها تواریخی را که به زبان ترکی عثمانی مصنوع نوشته شده بود ترجیح دادند و حمایت از تاریخ‌نویسی به زبان فارسی تا تکرار اختلافات با صفویان کنار گذاشته شد. لشکرکشی عراقین نخستین عزیمت شرقی سلیمان بود. حتی در حین «دورهٔ فترت قزلباشان» پس از مرگ شاه اسماعیل در ۹۳۰، به‌جز درگیری‌های کوچک مرزی، هیچ حمله‌ای توسط عثمانی به مناطق صفوی صورت نگرفته بود (ROEMER, 1997: 239-240). انگیزه اصلی این کارزار تلاش ابراهیم پاشا برای ترمیم اعتبارش بود، که پس از لشکرکشی‌های بی‌نتیجه و سنگین وین در ۹۳۶ و آلمان در ۹۳۹ آسیب دیده بود (SAHIN, 2013: 94). وزیر اعظم سفر خود را بدون سلطان آغاز کرد. سلیمان تقریباً یک سال بعد در ربيع الاول ۹۴۱ به او پیوست (UZUNÇARŞILI, 1975: 351-352). ارتش عثمانی در ماه بعد کترول بغداد را به دست گرفت و سلیمان و دریار او به مدت چهار ماه با دقت در جهت ثبت اسناد املاک و امور اداری تلاش کردند تا از پایداری حکومت عثمانی در آنجا اطمینان حاصل کنند. در همین حین، سلیمان شاه قاسم را مأمور نوشتند تاریخ کرد. اقامت چهارماهه سلیمان و اقدامات او در آن زمان انگیزه اصلی انتخاب شاه قاسم را برای نوشتند تاریخ سلطنتی به زبان فارسی نشان می‌دهد. سلیمان جدا از ترتیبات اداری برای اداره سرزمین‌های تازه‌به‌دست‌آمده خود، مأموریت‌های مذهبی و فرهنگی چندی را برای مشروعیت بخشیدن به حکومت عثمانی در چشم ساکنان شیعه و سنتی بغداد، پایتخت خلافت سابق، انجام داد: نخست، قبر ابوحنیفه نعمان بن ثابت (د. ۱۵۰)، بنیان‌گذار مکتب فقهی اهل سنت حنفی، را زیارت کرد و آنجا مقبره و مسجدی باشکوه ساخت (طبقات: گ. ۲۵۸-۲۵۹ر)، دوم، حرم امام موسی الكاظم (د. ۱۸۳)، هفتمنین امام شیعیان اثنی عشری، را -که به‌جهت جایگاه علمی اش مورد احترام اهل سنت نیز بود- زیارت کرد (UZUNÇARŞILI, 1975: 352). این حرکت سلیمان قصد او را برای حاکمیت نه تنها بر

نکرده‌اند. با این هدف، در این مقاله به بررسی نقش یک مهاجر-دانشمند در مشروعیت بخشیدن به حاکمیت عثمانی در نزد نخبگان فارسی‌زبان عراق و ویژگی‌های تبلیغاتی مجموعه آثار او برای سلطان سلیمان می‌پردازیم.

برای که بنویسد: جامعه هدف کنز الجواهر

سلطنت بازیزد دوم (حک ۹۱۸-۸۸۶) و سلطان سلیمان شاهد شماری قابل توجه از تواریخ فارسی، مانند غزوات سلطان سلیمان قاضی‌زاده، شاهنامه سلیمان خانی ادائی شیرازی و هشت‌بهشت ادریس بدليسی، بوده است.^۳ ولی در مقابل، اگر از استثنای پراهمیت کنز الجواهر صرف نظر کنیم، در سی سال نخست حکومت سلیمان (تا زمان تأسیس مقام شاهنامه‌گوی در اواسط قرن دهم) هیچ تاریخ سلطنتی‌ای به فارسی نوشته نشده است.

شرایط سیاسی در زمان تألیف کنز الجواهر، خصوصیت منحصر به فرد آن را نشان می‌دهد. سلیمان پس از کنار گذاشتن سیاست سخت‌گیرانه پدرش برای تحت سلطه درآوردن صفویان، روابط ملایم‌تری با همسایگان شیعه خود برقرار کرد: نخست، فرمان پدرش را در منعویت تجارت ابریشم با صفویان لغو کرد (MURPHEY, 1999: 233-234) و دیگر، جبههٔ غربی را به عنوان جهت اصلی کشورگشایی خود برگزید. در واقع، این جهت‌گیری جدید بعد از انتصاب ابراهیم پاشا، دوست نزدیک سلیمان، به وزارت اعظم در ۹۲۷ و همکاری نزدیک او با آلویسه گیریتی و نیزی (د. ۹۴۳) در عرصهٔ سیاسی سرعت گرفت. جدا از سیاست، این دو شخصیت تأثیرگذار سلطان را تشویق کردند که خود را ثروتمندترین و قدرتمندترین پادشاه کل جهان نشان دهد، تا شکوه و عظمتی را بنمایاند که می‌تواند جاه طلبی‌های شاهنشاهی چارلز پنجم (۹۲۵-۹۶۳) را به چالش بکشد. گل رو نجیب اوغلونمایان می‌کند که سلیمان و ابراهیم مشتاق جمع‌آوری آثار غربی، به‌ویژه نیزی بودند و تاج و کلاه خود نیزی‌ای که ابراهیم در سال ۹۳۲ برای سلیمان به دست آورد به‌وضوح ثابت می‌کند که ابراهیم تلاش می‌کرده است سلطان را چونان پادشاهی

^۳. برای جزئیات بیشتر این آثار مراجعه کنید به YILDIZ, 2012: 462-469.

لشکرکشی اش به روز در ۹۲۸، حتی پیش از زیارت قبر پدر و اجدادش، به زیارت مقبره انصاری رفت. با توجه به شهرت انصاری در ممالک عثمانی، شاه قاسم جزئیاتی از زندگی او ارائه می کند، از جمله این که اهل کجا بوده، چه کارهایی کرده و به چه خصالی شهرت داشته است، که از جمله مواردی است که دیگر تاریخ نویسان عثمانی آن دوران حذف می کنند (Shāh Qāsim, Ayasofya: 67b). ترسیم دقیق انصاری به اثبات می رساند که شاه قاسم احتمالاً برای نخبگان عثمانی - که با این صحابی پیامبر کامل‌آشنا بودند - نمی نوشت، بلکه مخاطبان مورد نظر او دربارها و جوامع فارسی زبان در ممالک اسلامی، به ویژه عراق عرب، بوده اند که میراث انصاری نزد ایشان فراموش شده بوده یا حتی شناخته نبوده است.

دوم، سبک و فصد تعلیمی شاه قاسم در توصیف او از «قپو خلقی» سلیمان سخت پدیدار است. می گوید:

بیست هزار نفر عسکر خاص را که به نام قاپو خلقی اختصاص دارند و همیشه مجاور و ملازم درگاه فلک اشتباهند، هر نفری را از سوار و پیاده و بنده و آزاده دوهزار آقچه عثمانی و بعضی را زیاده رسید؛ چنانچه مجموع مبلغ مزبور تخمیناً هشتصد خروار آقچه عثمانی فضی خالص باشد و به حساب دیار فرس سی و دوهزار تومان تبریزی می شود. (Shāh Qāsim, Ayasofya: 29b-30a)

«خروار» واحد اندازه گیری ای معادل یکصد من تبریز است و «تومان»، به معنای ده هزار، حتی امروز واحد غیررسمی پول ایران است. توصیف هزینه های سلطان برای «قپو خلقی» در مقیاس های تبریزی و «به حساب دیار فرس» نشان می دهد که مخاطبان مورد نظر شاه قاسم، نخبگان صفوی و عراقی هستند. به احتمال زیاد، این واحدهای پول و وزن جز بازرگانان عثمانی، برای دیگر افرادی که در آن مملکت می زیسته اند معنایی نداشته است.

سوم، شاه قاسم بخشی طولانی را به تحریم تجاری و محاصره اقتصادی صفویان توسعه سلیم و لغو این موارد به عنوان یکی از اوّلین اقدامات سلیمان پس از جانشینی وی اختصاص داده است. سلیم این سیاست را به کار گرفت تا اقتصاد صفویان را فلچ و شاه اسماعیل را به

سنّهای، بلکه بر شیعیان نیز اثبات می کند؛ سوم، با چندین شخصیت علمی عراق عرب ارتباط برقرار کرد، مخصوصاً شاعر شیعه چندزبانه (ترکی، فارسی و عربی)، فضولی بغدادی (د. ۹۶۳) که مدیحه بغداد خود را در هنگام بازدید از زیارتگاهها به سلطان تقدیم کرد (INALCIK, 2019: 61). چنین فعالیت هایی حاکی از آن است که سلیمان و دربار او با معزّفی سلطان به عنوان کسی که شخصیت های مذهبی متعلق به هر دو فرقه را به گرمی می پذیرد، مایل به برقراری حکومتی پایدار در عراق عرب بودند. در چنین زمینه ای بود که به شاه قاسم دستور داده شد یک کتاب تاریخ سلطنتی به زبان فارسی بنویسد، که نشان می دهد مخاطبان مورد نظر این کتاب ساکنان تحصیل کرده عراق عرب بودند: کسانی که فارسی را خوب می فهمیدند. این ویژگی منحصر به فرد (تنها تاریخ نوشته شده به زبان فارسی در تمام سی سال اول سلطنت سلیمان) توضیح می دهد که سلطان عثمانی می خواسته که غزوات و پیروزی هایش را به رعایای فارسی زبانش بشناساند. چندین نکته در متن کنز الجواهر این ادعّا را تأیید می کند:

اول، سبکی که شاه قاسم در کتاب خود اتخاذ کرده است نسبتاً تعلیمی تراز سایر تواریخ آن زمان است. او می خواهد خوانندگان خود را از کارهای بزرگی که سلطان عثمانی انجام می دهد حتماً باخبر کند. همچنین، از طریق استناد به اشخاص و آثار پیشین، می خواهد نشان دهد که سرزمین های آناتولی (روم) بخشی تفکیک ناپذیر از ممالک اسلامی هستند، زیرا مسلمانان در آن جا فهنه و تاریخی استنار دارند. به عنوان مثال، شاه قاسم بخش طولانی ای به ابوایوب انصاری (د. ۵۲) و اهمیّت در سنت اسلامی اختصاص داده است. آورده اند که ابوایوب، که از نزدیکان حضرت محمد ص بود، در یکی از اوّلین محاصره های قسطنطینیه تو سط مسلمانان شرکت کرد و نزدیک باروهای آن شهر در گذشت. بعد از تسخیر قسطنطینیه، محمد دوم برای احترام به این روایت اسلامی، مقبره، مسجد، مدرسه و حمامی ساخت. ساکنان مسلمان استانبول ابوایوب انصاری را در جایگاه یک شخصیت مذهبی مشهور از آن خود دانستند و گرامی داشتند (TURSUN BEY, 1912: 75). سلیمان قبل از اوّلین لشکرکشی خود به مجارستان در ۹۲۷ و دومین

با خیال راحت غرا کنم. بزرگ‌ترین غرا غزای علیه مانع غزا است.» (NEŞRI, 1949: 219). به این ترتیب، عثمانی‌ها در سال‌های شکل‌گیری حکومتشان سعی در توجیه جنگ علیه امیرنشین‌های ترکمن اطراflashan داشتند؛ دیگر این‌که مقامات مذهبی عثمانی برخی از مخالفان مسلمان خود را مرتد اعلام کردند. این بدان معنا بود که مبارزه با آن‌ها یک وظیفه شرعی است و از نظر شریعت کشن ایشان و تصاحب املاک و خانه‌هایشان بر مسلمانان مباح است. مدافعان این عقیده، حمزه صاری گورز (د. ۹۲۷) و کمال پاشازاده، معتقد بودند شاه اسماعیل و پیروانش آشکارا به سه خلیفه اول و همسر پیامبر، عایشه (د. ۵۸) توهین می‌کنند و قرآن را سوزانده و شریعت رالغو کرده‌اند (CIPA, 2017: 6).

هنگام ذکر زمینه نبردهای مجارستان در ۹۲۷، شاه قاسم جنگ‌های سلیم را علیه صفویان و مملوک‌ها با این دو علت توجیه می‌کند:

سلطان صاحبقران سلطان سلیم خان علیه الرّحمة و الغفران قبل ازین چند سال بود که هفت عالی نهمتش مصروف اطفاء نایره فتنه و فساد شاه ایران زمین و دفع طغیان طایفه قزلباش ضلالت‌رهین بود و بعد از آن باز متوجه تسخیر دیار‌عرب و بربیه و فتح ممالک مصریه گشته بود، چرا که سلطان و امراء چراکسه هم که حکّام و ولات آن ممالک بودند با پادشاه مزبور در معادات سلطان مرحوم مبرور موافقت نموده بودند و بسبب این موانع مدتی مديدة و عهده بعید بود که دیار انکروس چنانچه باید فرسوده حوافر خیول غرات و نوافر و فود کمات نگردیده بود. (Shāh Qāsim, Ayasofya: 64a-b)

شاه قاسم ادعّا می‌کند که عثمانی‌ها تنها زمانی دست از غزا برداشته‌اند که از جانب دیگر دولت‌های مسلمان خطری بزرگ‌تر متوجه ایشان بوده و هر گاه عثمانی احساس کند از شرق در امان است، توجه خود را به غرب معطوف می‌دارد. این برخلاف نظر جلال‌زاده (د. ۹۷۵) است که سلطنت سلیمان را صرفاً روایت می‌کند و برخلاف شاه قاسم توجیه اقدامات سلیم در شرق را ضروری نمی‌داند. این تمایز ممکن است از مخاطبان مورد نظر اثر نیز ناشی شود. جلال‌زاده برای مخاطبانی می‌نوشت که پیشاپیش باخبر بودند که سلیم در این

پذیرش توقعات خود مجبور کند. کمال پاشازاده (د. ۹۴۳) استدلال می‌کند که سلیم این فرمان را برای قطع ارسال سلاح گرم به صفویان صادر کرد (KEMALPAŞAZADE, 1996: 40-44)، امری که مقدّر بود بعداً در چنگ چالدران نقشی به‌سود عثمانی بازی کند. با این حال، به نظر می‌رسد علاوه بر صفویان، بازگانان عثمانی نیز به‌شدّت تحت تأثیر این فرمان قرار گرفتند، زیرا تجارت و جابه‌جایی ابریشم و سایر کالاهای نیز ممنوع بود (HERZIG, 2015: 238).

شاه قاسم با کمال پاشازاده هم‌رأی است و اضافه می‌کند که «سلطان صاحبقران به منع تجّار از آن دیار التفات نفرمودند بلکه مستحفظان شوارع و نگاهبانان مشارع استشمام رخصتی نموده طریق آمدوشد را گشودند» (Shāh, Qāsim, Ayasofya: 20b).

چهارم، او اشاره می‌کند که چگونه به تجّار زیان‌دیده‌ای که به سلیم عارض می‌شدند، بسته به زیان مالی ایشان، خسارت پرداخت می‌شده است. اگرچه شاه قاسم در مقدمه خود از روایت‌های تاریخی خودداری می‌کند، به این واقعه توجه ویژه‌ای دارد. او با بیانی ناخوشایند می‌گوید سلطان برای مقهور کردن قزلباشان «کافر» تجارت را ممنوع کرد و قصد داشت ممنوعیّت را پس از رسیدن به هدفش برطرف کند. در همان حال او با «احساس عالی عدالت» خسارات بازگانان را جبران کرد. شاه قاسم واضحًا قصد داشته است در نظر بازگانان عراقی حامیان خود را از سابقه‌ای که داشته‌اند مبرّا کند.

و آخرین مورد، که به رغم آخرین بودن کم‌اهمیّت‌ترین نیست، این‌که شاه قاسم علل لشکرکشی سلیم را به‌سوی مسلمانان، صفویان و مملوک‌ها روشن می‌کند. جنگیدن علیه یک دولت مسلمان همیشه موضوع توجه علماء و سربازان عثمانی بوده است. عثمانی‌ها دو راه حل برای توجیه حمله خود یافتند: نخست این‌که سایر دولت‌های مسلمان را متّهم کردن که مانع غزای عثمانی‌ها علیه دولت‌های مسیحی می‌شوند، به عنوان مثال، مراد یکم (حک. ۷۹۱-۷۶۳) کارزاری را علیه قرامانی‌ها -که هنگامی که سلطان در بالکان بود ممالک عثمانی را غارت کرده بودند- با این سخن به فرستاده قرامانی توجیه کرد که «تا زمانی که شما را نکویم، نمی‌توانم

آخرالرّمانی ای بود که ناشی از فراسیدن قریب الوقوع هزاره هجری بود. این توصیف بالعابی پرنگ از باور به منجی، نشان‌دهنده داعیه عثمانیان در ایجاد پادشاهی ای جهانی و فتح کل دنیا است. به همین علت، در دهه اول سلطنت سلیمان این اصطلاح مکرراً در اشاره به او به کار می‌رفت (SAHIN, 2013: 62). شاه قاسم نیز بر همین شیوه رفت و «صاحب‌قران بودن» را برجسته‌ترین وجه هویّتی حامی خود شمرد. او در طول کتاب، این اصطلاح را به‌طور گسترده برای اشاره به سلیمان به کار برداشت. با مقایسه سلیمان با سایر حاکمانی که با عنوان صاحب‌قران شناخته می‌شدند، شاه قاسم ادعّا می‌کند که:

در بیان بعضی ملکات جمله شاهانه و خصائص جلیله پادشاهانه و وسعت دایره ملک و مال و فسحت عرصه عظمت و نوال و کثرت عساکر و انصار کواكب‌منوال بر وجه اجمال پیش داشتن، چرا که اجمال قبل از تفصیل به سرمنزل مقصود قاید است و دلیل، و چون اعاده ذکر القاب گهرشعاresh در هر مقام مؤدّی به تطویل کلام می‌گردید و تصریح به اسم شریف‌ش هم در هر وقت لایق ادب نمی‌دید و چنانکه از مقدمه این کتاب مستطاب روشن می‌گردد، از سایر جالسان اورنگ سلطانی، لقب صاحب‌قرانی به این سلطان جلی البرهان اولی و احری است، در هر محل که به ذکر نام نامی و اسم گرامی احتیاج افتاد به سلطان صاحب‌قران تعییر نموده خواهد شد. (Shah Qāsim, Ayasofya: 11a)

شاه قاسم پس از حمد خداوند و پیامبرش، محمد ص، در صفحات نخست کتاب خود، بخشی طولانی را به خصوصیات و ویژگی‌های سلیمان اختصاص داده است. سلیمان در زبان عربی این‌گونه به تصویر کشیده شده است:

هو السّلطان الاعظـم الـاكرـم ظـلـ الله و خـلـيـفـتـه فيـ العـالـمـ سـلـطـانـ الغـرـاءـ وـ المـجاـهـدـينـ المؤـيـدـ منـ الـمـلـكـ الـبـيـنـ وـ المؤـيـدـ للـدـيـنـ الـمـسـتـبـيـنـ إـمـامـ الـمـسـلـمـيـنـ وـ أـمـيرـ الـمـؤـمـنـيـنـ الـظـاهـرـ كـوـكـبـ وـ لـادـتـهـ الـرـاهـةـ لـتأـيـيدـ الـمـلـةـ الـبـاهـرـةـ فـيـ رـأـسـ الـمـائـةـ الـعـاـشـرـ الـذـىـ لـمـ يـأـتـ بـمـثـلـهـ الـأـعـصـارـ وـ الـازـمـانـ السـلـطـانـ بنـ السـلـطـانـ اـبـوـ الـنـصـرـ السـلـطـانـ سـلـیـمانـ خـانـ بنـ السـلـطـانـ سـلـیـمانـ خـانـ. (Shah Qāsim, Ayasofya: 9b)

اگرچه ترکیب ظـلـ الله در قـرـآنـ نـيـامـدـهـ،ـ اـيـنـ يـكـ سـنـتـ نـبـويـ

جنگ‌ها از تأیید علماء بهره‌مند بوده است. از طرف دیگر، مخاطبان هدف شاه قاسم نخبگان عراق بودند که ممکن بود عثمانی‌ها و مدعای ایشان در غزا را ریاکارانه یافته باشند. با این حال عثمانی‌ها علیه مسلمانان جنگ‌هایی کرده بودند که یکی از آن جنگ‌ها با خادم حرمین، مکه و مدینه، بود. شاه قاسم که این را می‌دانست آگاهانه انگیزه‌ای را که سلیم در پس اعمالش داشت ذکر می‌کند تا لشکرکشی سلیمان را به عراقین بر اساس آن توجیه کند. بدین ترتیب است که او اشاره می‌کند که سلیمان عراق را فتح کرد تا بتواند به غزای خود در غرب ادامه دهد.

سلطان جهان: تصویر سلیمان در کنز الجواهر
شاه قاسم لغات مختلفی را در توصیف سلیمان به کار می‌برد. عمدتاً سلیمان با «صاحب‌قران» همنشین می‌شود. اظفر معین «قران» را نشانه‌ای از وقایع بزرگ، مانند تغییر در اقتدار سلطنتی (ملک)، یا خانوادگی (دولت)، یا انتقال اقتدار سلطنتی از یک قوم به قوم دیگر توصیف می‌کند. او چنین استدلال می‌کند که قواعد و مظاهر نخستین تصوّرات دوران متأخر^۴ از مفهوم پادشاهی مقدس در سلطنت‌های اسلامی قرن دهم هجری رواج داشته و ریشه در پندر جبرگرایی نجومی در دوران تیموری داشته است (نک. MOIN, 2012: 23-55). گفته می‌شود تیمور در زمان قران کیوان و برجیس متولد شده است و ترکیب قدرت این سیارات بوده که دولت او را رقم زده است. در نظر منجمان سده‌های میانه، پیوند این سیارات چونان بشارت رویدادهای بزرگ، مانند تولد یک فاتح جهانی، ثبت شده بود. اما اصطلاح «قران» با حکومت تیمور و وارثان او مظهر سلطنت مقدس در دوران پس از مغول شد (BIN-BAŞ, 2016: 251). این که سلاطین عثمانی نیز مانند صفویان و گورکانیان با عنوان صاحب‌قران توصیف شدند بازتاب باوری عمومی از رهبری سیاسی-مذهبی و انتظارات

^۴. معین دورانی را که از حدود سال ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ هجری را در بر می‌گیرد دوران جدید اوّلیه (early modern) نامیده است و از جمله تأثیر پیوند شیعی و تصوّف را در شکل‌گیری مفهومی جدید از سلطنه پادشاه - که هم مادی است و هم معنوی - در ایران صفوی و هند گورکانی و امی کاود. ویراستار

می شد که اجرای قانون شرع و پیروزی اسلام بر سایر ادیان را تضمین می کند. نزدیک شدن به سال هزار هجری و فتوحات عظیم عثمانی همچون انتصاب سلیمان به عنوان منجی ای مسیحوار از سوی خدا تفسیر شد. شاه قاسم با آموزش صوفیانه و انتظارات آخرالزمانی، سلیمان را نه فقط خلیفه بلکه «خلیفه فی العالم» معروفی کرد. بنابراین، هنگامی که شاه قاسم مشغول نوشتن کتاب خود بود، هدف نهایی داشتن یک حاکمیت جهانی و متعدد کردن تمام مسلمانان تحت رهبری سلیمان هنوز در دربار عثمانی رایج بود.

عنوان دیگری که به طور گسترده برای سلاطین عثمانی به کار رفته است «سلطان الغُزَاء [الغِزَا] وَ الْمُجَاهِدِين» است. این بدان معناست که سلطان حاکم ارتش‌های اسلامی است که برای گسترش «اعلیٰ کلمة الله» و اسلام، به سرزمین کافران حمله یا آنها را غارت و فتح می‌کند. پل ویتک این جنبه خاص از عثمانیان را قابل توجه یافت و «نظریّة غازی» مشهور خود را با این استدلال که «عثمانی‌های ابتدایی یک جامعه غازی از طرفداران دین محمد بودند؛ جامعه‌ای بودند از رزمندگان مسلمان مهاجر و کوچنشین، وقف مبارزه با کفار در همسایگی آنها» نوشت (نک. 33-45 WITTEK: 2021).^۵ عثمانی‌ها به جهت منافع اقتصادی و اجتماعی غزا، تعداد زیادی پیرو، به ویژه از قبایل ترکمن -که در قرن هشتم به آناتولی مهاجرت کرده‌بودند- جذب کردند.

هویت غازی سلاطین عثمانی هرگز در سنت این سلسله از بین نرفت. به عنوان مثال، نسخه ایاصوفیه کنز الجواهر در ابتدای داشت مالکیتی از سلطان محمود اول عثمانی (حکم ۱۱۴۳-۱۱۶۹) دارد که او را «سلطان الغازی» می‌خواند. در واقع، این صفت به طور گسترده‌ای در کل دوره اسلامی مورد استفاده قرار می‌گرفت و شاه قاسم نیز از اهمیت معروفی حاکمی با هویت غازی آگاه بود. از همه مهم‌تر این که تأکید بر غزا در کنز الجواهر لشکرکشی عراقین را در نظر مخاطبان هدف شاه قاسم توجیه می‌کند.

۵. این کتاب نخست در سال ۱۹۵۲ چاپ شده است. ویراستار

محسوب می‌شده که حاکمان را صاحبان اقتدار و حکمرانی الهی بدانند تا تمام صفات خدایی قابل اعمال در زمامداری زمینی را به حاکمان اعطا کنند (YILMAZ, 2018: 186-188). در ادبیات اسلامی، ظلّ الله معیار تفکیک سطوح بالاتر و پایین‌تر حکومت بوده است. یک حاکم ممکن است فقط به جهت قدرت نظامی خود لقب ظلّ الله داشته باشد، با وجود این، ظلّ الله حقیقی باید دارای چهار فضیلت اساسی عدالت، شجاعت، دیانت و سخاوت باشد. شاه قاسم درجه حامی خود را به ظلّ الله حقیقی ارتقا داده است، چرا که ادعایی کند که سلیمان هم قدرت نظامی و هم آن چهار فضیلت اصلی را دارد. با این حال، او این موارد را به شکلی برمی‌شمارد که با تعبیر سنتی از «توازن و تعادل» فرق دارد. به گفته شاه قاسم «سریر واجب التوقیر خلافتش به قوایم اربعه کمال عدالت و شجاعت و دیانت و سخاوت که نتیجه حکمت و عفت‌اند مشید است» (Shāh Qāsim, Ayasofya: 11a).

شاه قاسم با اسناد مجازی در نسبت دادن ویژگی‌ای دنیوی مانند «سایه» به خدا و این ادعایی که سلیمان ظلّ الله است، با ظرافت خواست خود را -که همه مسلمانان از سلطان اطاعت و پیروی کنند- بیان می‌کند. ضمناً لغت «خلیفه» تقریباً همان معنایی را در بر دارد که در عالم اسلام پس از حمله مغول «ظلّ الله» نماینده آن است، و «امام المسلمين» و «امیر المؤمنین» نیز از همین رده اسامی هستند.

قدرت و اعتبار خلافت عیاًسی پس از قتل آخرین خلیفه به دست ارتش مغول در سال ۶۵۶ پایانی قطعی یافت. از آن زمان، تعداد حاکمان مسلمان که خود را خلیفه می‌خوانند به طور قابل توجهی افزایش یافت. حسین ییلماز استدلال می‌کند که «ایده خلافت در پاسخ به تغییرات عمیقی که در جامعه گسترده مسلمانان در حال وقوع بود از نو تعبیر و تفسیر شد و با ظهور امپراتوری عثمانی، سیاسی اسلامی بر جسته شد و با ظهور امپراتوری عثمانی، به کانون ایدئولوژی شاهنشاهی در قرن شانزدهم میلادی (دهم هجری) تبدیل شد» (YILMAZ, 2018: 1).

پندران عثمانی درباره خلافت در قرن دهم مفهومی هم صوفیانه و هم جهانی داشت. بر این اساس، سلطان نایب خدا محسوب

سواحل مدیترانه احساس می‌شد. همچون نجات‌بخش مسیحیان وانمود. چارلز با پذیرش این صفت، از هراس مسیحیان از ترک‌ها استفاده کرد تا تمامی ایشان را تحت لوای خود متّحد کند (TURAN, 2007: 46). در ساحل شرقی مدیترانه، سلیمان و وزیر اعظمش، ابراهیم پاشا، از این وقایع نگران شدند و تاج‌گذاری چارلز به عنوان امپراتور مقدس روم توستّ پاپ در ۹۳۶ آن‌ها را به پاسخ‌گویی به ادعاهای جهانی چارلز برانگیخت. چنین است که تصویری که شاه قاسم از سلیمان در کنز الجواهر نمایش می‌دهد تأکیدی عمدی بر فتح جهان و حکمرانی بر آن دارد.

این مورخ در استفاده از عناوین و اشارات تاریخی به سلیمان، سنت‌های تاریخ‌نگاری فارسی، اسلامی و ترکی-مغولی را بر یک زمینه عثمانی مرااعات می‌کند. به عنوان مثال، او حامی خود را با پادشاهان افسانه‌ای ساسانی مقایسه می‌کند، که در سنت ادبیات فارسی شناخته شده هستند. اگرچه ساسانیان یک سلسله پارسی پیش از اسلام و هماورد امپراتوری مسلمانان در صدر اسلام بودند، ساسانیان سنن تاریخی و فرهنگی ایشان را در قرن سوم و چهارم در مختصات فرهنگی خود گنجانیدند.^۷ سنت ادبی آنان به شدت متأثر از تصوّرات اسلامی و فارسی بود. ایشان حاکمان خود را به خسرو، رستم، کیومرث و سایر قهرمانان فارسی پیوند دادند. اندر و پیکاک استدلال می‌کند که «کاربرد این القاب گزاره‌گویانه در قیاس فرمانروایان با شاهان ساسانی یا پهلوانان ایرانی به این معنی نیست که گوینده می‌خواهد مخاطبان آن را چون بیانیه‌ای سیاسی جدی بگیرند، بلکه چنین القابی تنها اغراق‌های شاعرانه‌ای بوده‌اند که در قیاس با شاعران عرب، راحت‌تر در دسترس شاعری بودند که به فارسی شعر می‌سرود» (PEACOCK, 2007: 38).

اهمیت داشتن پیوند با ساسانیان با سرودن شاهنامه توسط فردوسی در اواخر قرن چهارم افزایش یافت. ارجاع

۷. اهمیت ساسانیان برای اسلام نه به جهت مقاومت آنان در برابر مسلمانان - که مقاومتی کوتاه‌مدت بود - بلکه در سنن سیاسی و فرهنگی ایشان است که در اسلام پذیرفته شده است. علاوه بر این، فقط ساسانیان نبودند که سنت ساسانی را به اسلام منتقل کردند، کل عراق نیز محل بسیار مهمی بود که این انتقال در آن رخ داد.

او قصد داشته نشان دهد که عثمانی‌ها واقعاً خود را در گیر غزا علیه غرب مسیحی کرده‌اند، که برای تأمین شرایط بهتر برای فعالیت‌های ایشان در اروپا مجبورند گاه نیز با جنگیدن با مسلمانان از آن پشتیبانی کنند.

علاوه بر القاب عربی مانند ظلّ الله، خلیفته فی العالم، امام المسلمين، امير المؤمنین و سلطان العُزَّاظَةِ و المُجَاهِدِينَ، شاه قاسم صفات فارسی‌ای را نیز برای سلیمان به کار می‌برد که به حاکمیت جهانی اشاره دارند. او اظهار می‌دارد که سلیمان «تحت عالی بخت عالمگیری و جهانداری را بر اوج فلک تاسع رافع آمده» (Shāh Qāsim, Ayasofya: 9b-10a). او احتمالاً با این اشاره نجومی به پدر سلیمان، سلیم - که نهمین سلطان عثمانی بود - اشاره می‌کند.^۸

فتحات عظیم و سریع سلیم در دوره کوتاه سلطنت او با جانشینی سلیمان با نگرانی زیادی رو برو شد، زیرا علماء دربار عثمانی سلیمان را پسری شایسته برای میراث پدرش نمی‌دانستند. بنابراین، ایشان انتظار نداشتند که او به دنبال حاکمیت جهانی باشد (نک. TURAN, 2007: 48-52). با این حال، سلیمان اثبات کرد که ایشان بر خطاب بوده‌اند و در سرکوب شورش جانبardی غزالی، فتحات بلگراد در ۹۲۷، رودس در ۹۲۸ و نبرد موهاچ در ۹۳۱ به پیروزی رسید.

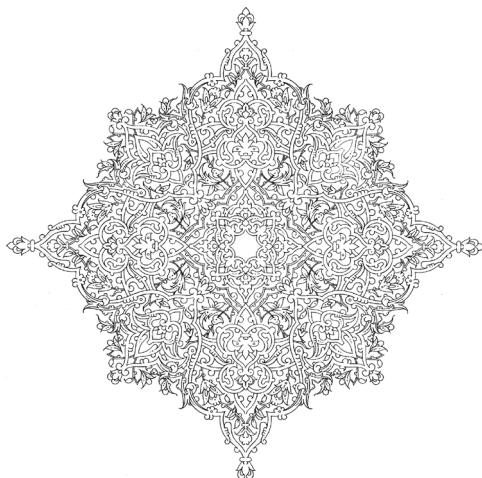
سلیمان، علاوه بر چنین انتظاراتی که می‌باشد برآورده می‌کرد، با چالش جدی چارلز پنجم و جاه طلبی‌های جهانی او در صحنه بین‌الملل نیز روبرو بود. چارلز در دهه ۹۲۰ چنان بخش عظیمی از اروپا و آمریکا را به ارت برده که کلیسا‌ی کاتولیک او را چون مسیحی در نظر گرفت که مقدّر است انگلستان، ایتالیا، قسطنطینیه و قدس را نیز تسخیر کند (PARKER, 2019: 490-491). همزمان با پیروزی‌های او لیه سلیمان، چارلز نیز بیشتر ایتالیا را فتح کرد و یکی از رقبای بزرگ خود، فرانسیس اول، پادشاه فرانسه، را در جنگ پاویا در ۹۳۱ به اسارت گرفت. این موفقیت‌ها قدرت چارلز را تقویت کرد و او را در برابر تهدید «کافر ترک» - که به شدت در اروپای مرکزی و

۸. شمار سلاطین عثمانی نکته مهمی برای موزخ مهاجر ایرانی بود. به عنوان مثال، نام کتاب ادریس بدليسی نیز هشت بهشت است، که از دوران هشت سلطان اول عثمانی با استعاره «بهشت» یاد می‌کند.

منابع

- Âşık Çelebī (2018). *Mesā 'irū 'ş-Şu 'arā*. Edited by Filiz Kılıç. Ankara: Kültür ve Turizm Bakanlığı Yayınları.
- BINBAŞ, İlker Evrim (2016). *Intellectual networks in Timurid Iran: Sharaf al-Dīn 'Alī Yazdī and the Islamicate republic of letters*. Cambridge University Press.
- ÇIPA, Erdem (2017). *The Making of Selim: Succession, Legitimacy, and Memory in the Early Modern Ottoman World*. Bloomington: Indiana Univ. Press.
- FLEISCHER, Cornell H. (2014). *Bureaucrat and intellectual in the Ottoman Empire: the historian Mustafa Ali (1541-1600)*. Vol. 394. Princeton University Press.
- GREEN, Nile (2019). *The Persianate World: The Frontiers of a Eurasian Lingua Franca*. Oakland, California: University of California Press.
- Herzig, Edmund (2015). *Iran and the World in the Safavid Age*. London; New York: I.B. Tauris.
- İNALCIK, Halil (2003). *Sair ve Patron*. Ankara: Dogu Bati.
- JACKSON, Peter (1986). *The Cambridge History of Iran*. Vol. 6. Northamptonshire: Cambridge University Press.
- KAFADAR, Cemal (1995). *Between Two Worlds*. Berkeley and Los Angeles: University of California Press.
- Kemalpaşazade (1996). *Tevarih-i Al-i Osman X. Defter*. Ankara: Türk Tarih Kurumu Basımevi.
- KIM, Sooyong (2005). "Minding the Shop: Zati and the Making of Ottoman Poetry in the First Half of the Sixteenth Century". PhD dissertation, Unicersity of Chicago (later published as: Sooyong Kim (2018), *The Last of an Age: The Making and Unmaking of a Sixteenth Century Ottoman Poet*, London: Routledge).
- MARKIEWICZ, Christopher (2019). *The Crisis of Kingship in Late Medieval Islam*. Cambridge University Press.
- Mecdî (1989). *Şakâik Tercümesi*. İstanbul: Çağrı Yayınlari.
- MOIN, Azfar (2012). *The Millennial Sovereign: Sacred Kingship and Sainthood in Islam*. New York: Columbia University Press.
- Muhyi-yi Gülsenî (2014). *Menâkıb-ı İbrâhîm-i Gülsenî*. Edited by Mustafa Koç and Eyyüp Tanrıverdi. İstanbul: Türkiye Yazma Eserler Kurumu Başkanlığı Yayınlari.
- MURPHEY, Rhoads (2001). "Süleyman I and the Con-

به پادشاهان و افسانه‌های ساسانی به بخشی ضروری از ادبیات اسلامی تبدیل شد. شاه قاسم نیز در کتاب خود این سنت را رعایت می‌کند. جدا از این، سلیمان به شاه قاسم دستور داد تا تاریخی را در بغداد -که در نزدیکی تیسفون، پایتخت قدیمی ساسانیان، واقع شده است- بنویسد. به همین علل، ممکن است شاه قاسم به شاهان ساسانی و پهلوانان ایرانی ارجاع داده باشد تا از تاریخ ماقبل اسلامی ساکنان سرزمین‌های تصرف شده تجلیل کند (Shâh Qâsim, Ayasofya: 14b). ما مطمئن نیستیم که ساکنان بغداد کتاب را خوانده‌اند یا نه، اما به جهت نگارش آن به زبان فارسی، در دربار عثمانی استقبال خوبی از این کتاب نشده است. این بدان علت است که با شروع قرن دهم، عثمانی‌ها ترکی عثمانی را در محافل ادبی ترجیح دادند تا فرهنگی متمایز ایجاد کنند و این کار اگرچه به ایجاد فرهنگ ویژه و فاخر عثمانی انجامید، نویسنده‌گانی مانند شاه قاسم در میانه آن گرفتار شدند و اهل اندیشه بعدی عثمانی و ترکیه از ایشان چندان یاد نکردند. با این وجود، کنز الجواهر منبع مهمی برای درک سرگذشت زبان فارسی در آناتولی در قرن دهم است. همچنین، این کتاب نمونه خوبی برای نشان دادن ویژگی‌های تبلیغاتی تاریخ‌نگاری است. امیدوارم که منابع تاریخی عظیم فارسی که در آناتولی و بالکان نوشته شده‌اند مورد مطالعه قرار گیرند و درک ما از سرزمین‌های غرب ایران را گسترش دهنند.



- TÜRSÜN, Bey (1912). *Tārih-i Ebū'l-Feth*. İstanbul: Ahmed İhsan ve Şürekası Matbā'ı.
- UZUNÇARSILI, I. Hakkı (2011a). *Osmalı Tarihi I*. Cilt. Vol. 1 Ankara: Türk Tarih Kurumu Basimevi.
- ----- (2011b). *Osmalı Tarihi II*. Cilt. Vol. 1 Ankara: Türk Tarih Kurumu Basimevi.
- WITTEK, Paul (2012). *The Rise of the Ottoman Empire*. Studies in the History of Turkey, Thirteenth-Fifteenth Centuries Abingdon: Routledge.
- WOODS, John E. (1987). "The Rise of Timurid Historiography". *Journal of Near Eastern Studies* 43: 81–108.
- YILDIZ, Sara Nur (2012). "Ottoman historical writing in Persian, 1400-1600". *Persian Historiography*. Edited by Charles Melville: pp. 436-502.
- YILMAZ, Hüseyin (2018). *Caliphate Redefined: The Mystical Turn in Ottoman Political Thought*. Princeton: Princeton University Press.
- quest of Hungary: Ottoman Manifest Destiny or a Delayed Reaction to Charles V's Universalist Vision". *Journal of Early Modern History* 5.
- MURPHEY, Rhoads (2004). *Ottoman Expansion, 1451–1556 II. Dynastic Interest and International Power Status*. Basingstoke, Hampshire: Palgrave Macmillan.
- MUSTAFA, Celâlzade (1981). *Geschichte Sultan Süleyman Kānūnīs von 1520 bis 1557, oder, Tabakāt ül-Memālik ve Derecāt ül-mesālik*. Edited by Petra Kappert. Wiesbaden: Steiner.
- NECIPOGLU, Gülrü (1992). *A Kānūn for the State a Canon for the Arts: Conceptualizing the classical Synthesis of Ottoman Art and Architecture*. Paris: Documentation Française, pp. 194–216.
- NEWMAN, Andrew J. (2006). *Rebirth of a Persian Empire*. London: I.B. Tauris.
- Neşri (2008). *Cihānnümā: 6. Kısım: Osmalı Tarihi (687-890/1288-1485): Giriş, Metin, Kronoloji, Dizin, Tipkibasım*. İstanbul: Çamlıca.
- PARKER, Geoffrey (2019). *Emperor: A New Life of Charles V*. New Haven and London: Yale University Press.
- PEACOCK, Andrew (2007). *Mediaeval Islamic Historiography and Political Legitimacy Bal'amī's Tārikhnāma*. London and New York: Routledge.
- ROEMER, H. R. (1997). *The Cambridge History of Iran: The Timurid and Safavid Periods*. Vol. 6. Cambridge: Cambridge University Press.
- Shāh Qāsim, Tabrīzī. *Kanz al-jawāhir al-sanīya fī'l-futūḥāt al-Sulaymanīya*. İstanbul: Süleymaniye Kütüphanesi, Ayasofya 3392.
- ----- 764. *Kanz al-jawāhir al-sanīya fī'l-futūḥāt al-Sulaymanīya*. İstanbul: Süleymaniye Kütüphanesi, Hekimoğlu.
- ----- 769. *Tārikh-i Fath-i Ungurūs*. İstanbul: Hacı Selim Ağa Kütüphanesi.
- ŞAHİN, Kaya (2013). *Empire and Power in the Reign of Süleyman: Narrating the 16th Century Ottoman World*. Cambridge: Cambridge Univ. Press.
- ŞİRĀZĪ, Adā'ī (2004). *Adā'ī Şirāzī ve Selīm-nāmesi: incelme-metin-çeviri*. Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- TAUER, Félix (1924). *Histoire de la campagne du Sultan Suleyman Ier contre Belgrade en 1521*. Prague: F. Rivnáce.
- TURAN, Ebru (2007). "The Sultan's Favorite: Ibrahim Pasha and the Making of the Ottoman Universal Sovereignty in the Reign of Sultan Süleyman". Unpublished PhD Thesis, Chicago.



Table of Contents

Editorial

- Azarbajian and the History of Persian Language and Culture/ **Akbar IRANI** 3-5

Introduction

- Persian: the string binding Different Azarbajian and Anatolia Studies together / **Ali SHAPOURAN** 6-13

The Roots

- The Etymology of Ten Geographical Names Related to Azarbajian / **Ali Ashraf SADEGHI** 14-22
The Name Azarbajian and a Brief Phonetic Lexical Point / **Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI** 23-29
The Ossettes and the Persians: Distant Cousins with a Common Ancient Heritage / **Richard Foltz**; Translated by **MohammadTaqi FARAMARZI** 30-40

Azarbajian and Caucasus

- The Poems of Qutb al-Dīn-i Atīqī of Ahar (Tabriz) / **Behrouz IMANI** 41-57
On Salmān Sāvajī's Death Date: Did Salmān Die in Safar of 778 A.H? / **Mohsen SHARIFI SAHI** 58-60
Jalīs al-Mushtāq: An Old Romance in Motaqārīb Metre about Transmogrification and Reincarnation / **Mahdi YEILAGHI** 61-76
Sāqī-yī Tabrizi: A *Naqqāl* (Storyteller) of the *Shāhnāma* from Tabriz in the Qajar Period / **Sajjad AYDENLOO** 77-82

Anatolia

- Advice for the Sultans of Rum: The “Mirrors for Princes” of Early Thirteenth-century Anatolia / **Andrew C. S. PEACOCK**; Translated by **Shokoofe MAYBODI** 83-109
Three Letters in “Pure Persian” from Thirteenth-century Anatolia in the Manuscript of *Nāma-yi Salātīn* / **Maryam MIRSHAMSI** 110-117
Sultān Valad and the Poetical Order: Framing the Ethos and Praxis of Poetry in the Mewlewi Tradition after Rumi (Revised) / **Franklin LEWIS**; Translated by **Manouchehr BIGDELI KHAMSE** 118-134
A Discussion on the Arabic-Persian Dictionary *al-Mirqāt* Based on Its Oldest Manuscript / **Ali SHAPOURAN** 135-147
Safīna-yi Nūhī va *Majmū'a-yi Rūhī*: Surveying Two Old Persian Collections from Anatolia / **Seyyed Ali MIRAFZALI** 148-160
The Poems of Persian Composers in Fourteenth-century Anatolia in Âq-Shahr (Akşehir) Collection (MS Or. 1094 Leiden Library) / **Ahmad BEHNAMEI** 161-169
A Letter from a Kāzirūnī Dervish to the Timurid Abū-Sa'īd, Proposing the Alliance with Ottoman Muhammad I (the Conqueror): a Testimonial for Political Role of Sufis in Fifteenth Century / **Emadoddin SHEYKHOLHOKAMEI** 170-180
The Politics of Historiography in Süleyman's Court: Shah Qāsim and *Kanz al-Javāhir* / **Furkan İŞİN** 181-190
An Introduction to Treatises and Interpretations to the 'Urfī-yi Shirazi's *Divan* in Asia Minor / **Fariba SHOKUHI** ... 191-200

Reviews and Critiques

- A. C. S. Peacock, *Islam, Literature and Society in Mongol Anatolia* (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / **David DURAND-GUÉDY** (Review) 201-204
Christopher Markiewicz, *The Crisis of Kingship in Late Medieval Islam: Persian Emigres and the Making of Ottoman Sovereignty* (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / **Andrew C. S. PEACOCK** (Review) 205-206
A Criticism on the Last Published Edition of The Persian *Divan* of Yavuz Sultān Selīm / **Anita AHMADI** 207-218

Lecture

- The Poems and the Character of Humām-i Tabrizi and His Ghazal in Sa'dī's *Divan*: The Cultural Binding of Tabriz and Shiraz / **Mahmoud ABEDI** 219-226

Gozareh-e Miras
Quarterly Journal of Textual Criticism,
Codicology and Iranology
Third Series, vol. 4, no. 3 - 4, Autumn 2019 - Winter 2020
[Pub. Autumn 2021]
**Dedicated to History of Persian Language and Culture
in Azarbaijan, Caucasus, and Anatolia**

Properietor:
The WRITTEN HERITAGE RESEARCH INSTITUTE

Managing Director & Editor-in-Chief:
Akbar Irani

Assistant Editor:
Masoud Rastipour

Guest Editor:
Ali Shapouran

Managing Editor:
Younes Taslimi-Pak

Cover:
Mahmood Khani

Print:
Miras

**No. 1182, Enghelab Ave.,
Between Daneshgah St. & Abureyhan St.,
Tehran, Iran**

Postal Code: 1315693519
Tel: 66490612, **Fax:** 66406258
Website: www.mirasmaktoob.ir
E-mail: gozaresh@mirasmaktoob.ir

| Dedicated to History of Persian Language and Culture in Azarbaijan, Caucasus, and Anatolia |

Table of Contents

Editorial

- Azarbaijan and the History of Persian Language and Culture / Akbar IRANI 3-5

Introduction

- Persian: the string binding Different Azarbaijan and Anatolia Studies together / Ali SHAPOURAN 6-13

The Roots

- The Etymology of Ten Geographical Names Related to Azarbaijan / Ali Ashraf SADEGHİ 14-22
 The Name Azarbaijan and a Brief Phonetic Lexical Point / Seyyed AhmadReza QAEEMQAQAMI 23-29
 The Ossettes and the Persians: Distant Cousins with a Common Ancient Heritage / Richard FOLTZ; Translated by MohammadTaqi FARAMARZI 30-40

Azarbaijan and Caucasus

- The Poems of Qutb al-Dīn-i Atīqī of Ahar (Tabriz) / Behrouz IMANI 41-57
 On Salmān Sāvajī's Death Date: Did Salmān Die in Safar of 778 A.H? / Mohsen SHARIFI SAHI 58-60
Jalīs al-Mushtāq: An Old Romance in Motaqārīb Metre about Transmogrification and Reincarnation / Mahdi YEILAGHI 61-76
 Sāqī-yī Tabrizi: A *Naqqāl* (Storyteller) of the *Shāhnāma* from Tabriz in the Qajar Period / Sajjad AYDENLOO 77-82

Anatolia

- Advice for the Sultans of Rum: The "Mirrors for Princes" of Early Thirteenth-century Anatolia / Andrew C. S. PEACOCK;
 Translated by Shokoofe MAYBODI 83-109
 Three Letters in "Pure Persian" from Thirteenth-century Anatolia in the Manuscript of *Nāma-yi Salātīn* / Maryam MIRSHAMSI 110-117
 Sultān Valad and the Poetical Order: Framing the Ethos and Praxis of Poetry in the Mewlewi Tradition after Rumi (Revised)/
 Franklin LEWIS; Translated by Manouchehr BIGDELI KHAMSE 118-134
 A Discussion on the Arabic-Persian Dictionary *al-Mirqāt* Based on Its Oldest Manuscript / Ali SHAPOURAN 135-147
Safīna-yi Nūhī va Majmū'a-yi Rūhī: Surveying Two Old Persian Collections from Anatolia / Seyyed Ali MIRAFZALI 148-160
 The Poems of Persian Composers in Fourteenth-century Anatolia in Āq-Shahr (Akşehir) Collection (MS Or. 1094 Leiden Library) / Ahmad BEHNAMI 161-169
 A Letter from a Kāzirūnī Dervish to the Timurid Abū-Sa'īd, Proposing the Alliance with Ottoman Muhammad I (the Conquerer): a Testimonial for Political Role of Sufis in Fifteenth Century / Emadoddin SHEYKHOLHOKAMEI 170-180
 The Politics of Historiography in St̄ileyman's Court: Shah Qāsim and *Kanz al-Javāhir* / Furkan İŞİN 181-190
 An Introduction to Treatises and Interpretations to the 'Urfi-yi Shirazi's *Divan* in Asia Minor / Fariba SHOKUHI 191-200

Reviews and Critiques

- A. C. S. Peacock, *Islam, Literature and Society in Mongol Anatolia* (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / David DURAND-GUÉDY (Review) 201-204
 Christopher Markiewicz, *The Crisis of Kingship in Late Medieval Islam: Persian Emigres and the Making of Ottoman Sovereignty* (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / Andrew C. S. PEACOCK (Review) 205-206
 A Criticism on the Last Published Edition of The Persian *Divan* of Yavuz Sultān Selīm / Anita AHMADI 207-218

Lecture

- The Poems and the Character of Humām-i Tabrizi and His Ghazal in Sa'dī's *Divan*: The Cultural Binding of Tabriz and Shiraz / Mahmoud ABEDI 219-226